

گونه‌شناسی ورودی‌ها در بناهای شهر کرمان

مقدمه

بافت شهری کرمان در یک سده اخیر تغییر و تحولاتی کالبدی را از سر گذرانده است. از عوامل و زمینه‌های این تحولات می‌توان مواردی چند را برشمرد:

۱. عوامل فرهنگی-اجتماعی: اصلی‌ترین منابعی که برای هویت انسان می‌توان شناخت، از قلمروهای سه‌گانه مربوط به خلق هر اثری توسط او استخراج می‌شود. این قلمروها قلمرو اندیشه، قلمرو عمل و رفتار و قلمرو آثار وی هستند که آنها را به ترتیب جهان‌بینی و فرهنگ و تمدن نام‌گذاری می‌کنند. عوامل شکل‌دهنده هویت عبارت‌اند از: جهان‌بینی، فرهنگ، تمدن، تاریخ (زمان)، محیط (مکان، قلمرو). بهترین حالت را می‌توان وقتی دانست که آثار انسانی و از جمله شهر بر پایه اصولی شکل گرفته و هویتی را دارا باشند که آن اصول منبعت از مبانی جهان‌بینی و ارزش‌های فرهنگی جامعه بوده و هویت برآمده می‌باین اصول و مبانی فرهنگی مأخوذ از جهان‌بینی جامعه باشد؛ در عین حال، جامعه، با آگاهی کامل به این ارتباطات، از داشتن چنین هویتی خرسند باشد و به آن مباحثات کند.^۲ نمود شهرسازانه شهر کرمان، خیابان‌کشی‌های متعدد در دوره پهلوی اول بود و بدون توجه و ملاحظه به زمینه و بافت سنتی شهر در بافت کهن احداث شد. بدین ترتیب، ابتدا شهرسازی نظامی گرایانه در کرمان ایجاد شد و سپس معماری نظامی گرایانه در لایه اول معابر به وجود آمد.

چکیده

در این پژوهش، ورودی‌های ابنیه شهر کرمان در سده اخیر بر اساس دوره‌های حکومتی گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شده است. در ابتدای سده اخیر، ورودی‌ها تنها موضعی در بناهای سنتی بوده‌اند که جلوه بیرونی و تزیینات داشته‌اند. از این رو، دارای شخصیتی مستقل و هویتمند نیز بوده‌اند. اما این ویژگی شاخص، به تدریج، در بدنه‌سازی‌ها و تراکم‌سازی‌های ابنیه حل شده و کمرنگ‌تر گشته است. زمینه‌های اصلی این تغییر و تحولات را می‌توان در عوامل فرهنگی-اجتماعی، تأثیرات اقتصادی و تأثیرات عملکردهای جدید جستجو کرد. به نظر می‌رسد در شهر کرمان، به‌رغم وفاداری بخشی از جامعه به سنت‌های بومی، در پی حمایت و ترویج گرایش‌های حاکم از زمان پهلوی - همچون «باستان‌گرایی»، «نوگرایی» و در عین حال «نظامی‌گرایی» - آثار کالبدی ساخت‌وساز و شکل شهر (شیوه شهرگرایی و شهرنشینی) نیز متحول شده است. این گرایش‌ها و به‌ویژه تشدید نوگرایی از جانب حکومت و مردم در دوره معاصر ابتدا شهرسازی و سپس معماری مدرن را به کرمان آورده و وضعیت کنونی این شهر را رقم زده است.

۲. عوامل اقتصادی: در دوره پهلوی اول، به‌رغم وجود شهرسازی بولدوزری و تخریب بافت تاریخی، آثار معمارانه درآیگاه همچنان به سمت رونق و تطبیق با زمانه در حرکت بود. در دوره پهلوی دوم، با تسری معیارهای شهرسازی و معماری مدرن، تغییرات ارتفاعی و تراکمی و تحولات سبکی در ساخت ابنیه به‌وجود آمد و سلسله‌مراتب و آداب ورود و خروج کمرنگ‌تر شد. با اینکه نمونه‌های خوب درآیگاه در این دوره نیز به چشم می‌خورد، لیکن توجه بیشتر به ناماسازی بدنه معطوف بود تا فضای ورود. در دوره جمهوری اسلامی، اوج‌وفرودهای متعدد اقتصادی ناشی از حوادث اجتماعی و سیاسی مشاهده می‌شود. این نوسان در بروز نمونه‌های موفق درآیگاه و ناماسازی

کلیدواژه‌ها: کرمان، معماری مدرن، ورودی بناها، نوگرایی

ت ۱. نمونه‌ای از
موقعیت ورودی‌های
ارزشمند ابنیه در
محدوده بازار تاریخی
کرمان. مأخذ: نگارنده.
برگرفته از:
earth.google.
com.



است. کندی سرعت تحولات در گذشته فرصت تطبیق و هماهنگی با نیازهای ساخت را ایجاد می‌کرد؛ اما تغییرات اجتماعی جدید زمان تحولات معماری و شهرسازی را نیز دستخوش سردرگمی و نارسایی کرد و به‌ناچار معماری و شهرسازی جدید با عملکردهای جدید به پذیرش آن نوعی روی آورد که تغییرات و نیازهای اجتماعی آن را پذیرا شده بود.

۵. تغییرات ساختار فضایی: پیوند بین شهرسازی کهن و نوین در اروپا و سیر جریان مدرن در شهرسازی غرب علاوه بر احترام و محافظت از بافت کهن حرکت‌های جدید را در ادامه روند قبلی منطبق می‌ساخت، در حالی که شهرسازی دوره معاصر در ایران اندیشه خصومت‌آمیز با گذشته و شیفتگی بی‌محابا به طرح‌های جدید داشت و همچنان نیز دارد.

با این مقدمه، گونه‌شناسی ورودی‌های ابنیه کرمان بدین صورت قابل طبقه‌بندی است:

نیز تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که گاه زیبایی‌های معماری نما و ورودی فراموش می‌شود.

۳. تأثیرات زمانی (تاریخی): موضوع مهم «توان برقراری ارتباط با گذشته» است. به‌نظر می‌رسد این گسست تاریخی، که نسل‌های جدید را منقطع از نسل گذشته کرده، آنها را از مطالعه تاریخ و درک فرهنگ خودی ناتوان کرده است. البته، در کرمان، ریشه‌ها، باورها، رفتارها، سنت‌ها و فرهنگ به‌مراتب نسبت به برخی شهرهای بزرگ ایران استوارتر و پایدارتر مانده است. لیکن فراموشی داشته‌ها و عدم مطالعه تاریخ شهر و قرض گرفتن کورکورانه ایده‌ها از اغیار موجب شده اساس ساختمان‌سازی در کرمان در مسیر اشتباه گام نهد.

۴. عملکردهای جدید: عامل زمان و مفهوم آن نقش تعیین‌کننده‌ای در این حرکت تحول‌ساز معاصر داشت. موقعیت ثابت و تغییرات کند گذشته به وضعیتی پویا، غیریکنواخت و شتابان دوره معاصر تبدیل شده

الف. دوره قاجاریه: سنتی؛^۳

ب. دوره پهلوی اول: سنتی، اقتدارگرا،^۴ باستان‌گرا،^۵ نوگرایی اولیه،^۶ التقاطی (ترکیبی)؛^۷

ج. دوره پهلوی دوم: اقتدارگرا، باستان‌گرا، نوگرایی متعالی،^۸ فرانوگرایی اولیه؛^۹

د. دوره جمهوری اسلامی: نوگرایی متأخر،^{۱۰} فرانوگرایی متعالی،^{۱۱} فن‌مدار،^{۱۲} التقاطی (ترکیبی).

ابنیه قاجاری بر بلندای بام قابل مشاهده است که نقش انکارناپذیری در نشانه‌گذاری محله‌ای، ناحیه‌ای و شهری دارند.

- اجزای سنتی تشکیل‌دهنده درآیگاه را در ابنیه مسکونی این دوره می‌توان دید.

- عناصر سنتی درهای چوبی را نیز در بناهای همین دوران می‌توان یافت.

- برخی مواقع، جهت نگهداشت بادگیرهای بلند و دیوارها و ممانعت از انحراف آنها، از تیرهای چوبی استفاده شده است. در دوران معاصر، این تیرها فلزی شده و به‌صورت کششی عمل می‌کند.

- در جاهایی که ناودانی برای بنا ایجاد شده، جنس آن از سفال و خشت مقاوم بوده است؛ همچنین، برخی دارای تزئینات زیبا و برجسته (مُهری) هستند.

تزئینات

- هرّه‌ها در رخ‌بام بناست که با آجرهای خشتی پوزگاوای یا دندان‌موشی بر بالای سردر چیدمان شده است. شکل ساده این آجرها بدون لعاب بوده، اما شکل رسمی‌تر و اعیانی‌تر آنها معمولاً با لعاب فیروزه‌ای همراه است. همچنین، خشت‌های مُهری نیز نقش قرنیز را ایفا کرده و با شیب معکوس رو به بام بر بالای سردر قرار دارند و از زیر نقش مُهری آن دیده می‌شود.

- تاج بنا جایی بر بالای سردر است که عموماً بناهای حکومتی و عمومی آن را با خود به‌صورت نیم‌دایره داشته و بر بدنه آن نام و کارکرد بنا به‌زیبایی نشان داده شده است.

- تزئینات گچی بر بدنه پیشخان و درگاه در این دوره رایج بوده است.

- کتیبه از جنس غالب کاشی یا گچ بر بالای در نصب شده است.

- کاشی‌کاری رایج این دوران هفت‌رنگ با ابعاد ۲۰ در ۲۰ سانتی‌متر است که با گل میخ‌های فلزی بر دیواره ثابت می‌شده است.

بحث و بررسی

الف. ورودی‌های ابنیه کرمان در دوره قاجاریه

آنچه از ورودی‌های ابنیه کرمان در دوره قاجاریه به‌جا مانده نمونه‌های سنتی است، با این مشخصات:

- نیم‌گنبد (کُنه‌پوش، نیم‌کار) تیزهدار و جناغی در پشت پیشانی سردر، که در بخش‌های پایینی گچ‌کاری یا آجرکاری یا کاهگل و گچ و بعضاً کاشی‌کاری به‌صورت تزئینات کاربردی، مقرنس یا پتنگانه به‌کار رفته است.

- اغلب به‌صورت متقارن و بعضاً با عدم تقارن در اجزای درآیگاه کار شده است.

- برخی ورودی‌های مهم مسکونی و برخی ابنیه عمومی دارای عرض درگاه (آستان) پهن‌اند.

- مقیاس و ابعاد فضای ورودی اغلب انسانی بوده است.

- طراحی و اجرای درآیگاه تنها منحصر به ورود و خروج پیاده بوده و تنها ابنیه حکومتی، بازار، کاروان‌سراها، باغ‌ها و خانه‌باغ‌های بزرگ به ورود برای کالسکه نیاز داشته‌اند.

- جنس درها و روزن‌ها تماماً از چوب بوده است.

- نوع و جنس مصالح نما عموماً ترکیبی از کاهگل، خشت، گچ و کاشی بوده است.

- مصالح به‌کاررفته در نما اغلب به‌رنگ نخودی، سفید و آبی است؛ لذا چشم‌انداز رنگی شار قدیم کرمان در آن دوران هماهنگ و یکدست و منطبق بر زمینه طبیعی آن بوده است.

- معمولاً، از معبر عمومی، سقف‌های گنبدی، خرپشته‌های کاهگلی، بادگیرها یا نورگیرهای

- قوس ویژه و مختص این دوران برای دهانه‌ها
کلیل آذری است (ت ۲).

ب. ورودی‌های ابنیه کرمان در دوره پهلوی اول
۱. ورودی‌های سنتی

ورودی‌های سنتی دوره پهلوی اول دارای ویژگی‌های
ذیل هستند:

- این ورودی‌ها در ادامه شیوه سنتی مانند اسلاف



قاجاری خویش احداث شده‌اند، به گونه‌ای که
با ورودی‌های قدیمی‌تر اختلاف اندکی دارند.
این گونه در ابنیه مسکونی بیشتر تداوم یافته
است.

- مقیاس این ورودی‌ها اغلب انسانی است.

- مصالح مورد استفاده در این بناها اغلب آجر،
کاهگل و گچ است و کاربست خشت در
سقف‌های گمبه‌ای، برخی سفت کاری دیوارها
و کفسازی‌ها تداوم می‌یابد.

- در رنگ بدنه تغییر چندانی به وجود نیامده و
همچنان رنگ نخودی و سفید غالب است.

- وسعت فضای ورود و خروج کوچک‌تر است؛
یعنی برخی اجزای تشکیل دهنده درآیگاه مانند
«ساباط، هشتی و ایوان» تقریباً حذف شده و
سلسله‌مراتب ورود و خروج در فضای کمتری
انجام می‌شود.

- کم‌کم نیم‌گنبد (کُنه‌پوش) کوچک‌تر شده و
حذف می‌گردد.

- قوس تیزه‌دار و جناغی همچنان از جاذبه‌های
درگاه است. سپس قوس نیم‌دایره و دالبری
جایگزین قوس جناغی شد.

- در جاهایی که ناودانی برای بنا ایجاد شده،
جنس آن از سفال و خشت مقاوم بوده است؛
همچنین، برخی دارای تزئینات زیبا و برجسته
مُهری‌اند.

- از آنجا که ورودی مسکونی هر بنا در گونه سنتی
(قاجار و پهلوی اول) تنها موضع بیرونی دارای
تزئینات بوده، لذا دارای شخصیت و تعریف
مستقل نیز بوده است (ت ۳).

تزئینات

- هرّه دارای سبک به خصوص خود می‌شود؛
یک. به صورت خشت‌های لایه‌لایه و چندطبقه
و دندانه‌دندانه؛ دو. به صورت سه‌لایه آجر
کوچک، متوسط و کامل روی هم که در نتیجه
شکلی شبیه مشعل ایجاد شده و در کنار هم
تکرار می‌گردد؛ سه. آجر کلوک فاصله‌دار

ت ۲. نمونه‌هایی از
ورودی‌های گونه سنتی
در دوره قاجاریه. مأخذ:
نگارنده.



زد که در خیابان عدالت در همین دوره احداث شدند، مانند بانک ملی، ساختمان دادگستری، استانداری و...؛ همچنین، سردرهای ورودی کارخانه برق هرندی، کارخانه نساجی، کارخانه ریسندگی (تخریب شده)، خانه بانو حیاتی، موزه صنعتی، پرورشگاه ایتم مشتاق حسینی، کاخ سابق استانداری و ورودی‌های گاراژها از دیگر نمونه‌ها هستند.

- در نتیجه ویژگی پیشین، امکان عبور و مرور خودرو نیز از این ورودی‌ها به وجود آمد.

- معمولاً این ورودی‌ها دارای تقارن اند تا آنکه از اصل «نظم» تبعیت کرده باشند.

- جنس درها و روزن‌ها اغلب فلزی است، ولی نمونه‌های چوبی نیز به چشم می‌خورد.

- جنس مصالح نما از مصالح مقاومی چون سنگ، بتون و آجراست.

- رنگ نمای این ابنیه نخودی، خاکستری و سفید است.

- «جلوخان و پیشخان» تنها در مقابل فضاهای مذهبی (مانند سابق) و عمومی (مانند ساختمان راه‌آهن، دادگستری، شهرداری و...) حفظ می‌گردد و در ابنیه مسکونی کمتر پرداخت می‌گردد.

- عنصر ساعت از بالای «ایوان» ابنیه عمومی حذف می‌گردد (ت ۴).

قطارچین.

- قرنیزهای خشتی نقش‌دار (مُهری) در تداوم شیوه سنتی قاجاری کاربرد دارد.

- نوعی آجرکاری تخم‌مرغی در بالا و طرفین پیشانی سردر ایجاد می‌گردد.

- آجرکاری خفته و راسته در این شیوه در نمای ورودی بیشتر استفاده می‌شود.

- موزاییک‌های آجری طرح‌دار مُهری بر بدنه ورودی و نماسازی دیواره‌ها مشهود است.

- کتیبه‌نویسی بر بالای سردر همچنان از جنس کاشی معرق و هفت‌رنگ و گچ قابل مشاهده است.

- گچ‌کاری‌هایی عموماً با طرح گیاهی در طرفین ورودی مشاهده می‌شود.

۲. ورودی‌های اقتدارگرا

ورودی‌های گونه اقتدارگرا در دوره پهلوی اول دارای ویژگی‌های ذیل اند:

- از آنجا که اقتدارگرایی و نظامی‌گرایی جزو ریشه‌های حکومت پهلوی بود، برای بروز قدرت حاکم و نظام حکومتی، کالبد ابنیه عمومی و دولتی عموماً بر این پایه ساخته شد. جلوه این نگاه در دو بخش قابل ارائه است: الف. ابعاد بنا که عظیم و بزرگ ساخته شد، ب. ورودی بنا که رفیع، پهن و فرانسائی شد. برای نمونه، می‌توان ساختمان‌های بزرگ اداری و حکومتی را مثال

ت ۴. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه اقتدارگرا در دوره پهلوی اول. مأخذ: نگارنده.



۳. ورودی‌های باستان‌گرا

همان‌گونه که اشاره شد، گرایش به شیوه‌های معمارانه باستان‌گرایی در دوره پهلوی اول وجود داشته است. این گونه دارای ویژگی‌های ذیل است:

- در ورودی‌های ابنیه کرمان در این دوره تهرنگی از سه‌سنگی‌های ورودی‌ها و دهانه‌های تخت‌جمشید قابل مشاهده است. همچنین، هره‌های دندان‌دندانه، که پیشتر از آن صحبت شد، تهرنگی از شیارها و قاشقی‌های ستون‌ها و بالای دیواره‌های این کاخ را تداعی می‌کند؛ جالب آنکه این هره‌ها مانند اسلاف هخامنشی خود از طرفین سه‌سنگی‌ها بیرون‌زده‌اند.

- با وجود این، غالب نمونه‌های کرمانی دارای مقیاس انسانی‌اند.

- جنس درهای این شیوه از چوب و هم از فلز است.

- مصالح به‌کاررفته اصولاً سنگ است، اما، به‌سبب کمبود سنگ در اقلیم ایران و شهر کرمان، از آجر استفاده شده است.

- طاق درگاه (نعل درگاه) در این شیوه به‌صورت تخت اجرا شده است.

- عموماً ابنیه مسکونی دوره پهلوی اول در قید ایجاد ازاره سنگی در پای دیواره بناها نبوده‌اند یا ازاره‌های آنها آجری بوده است. به‌همین علت، پای دیواره مشرف به معبر در این بناها همواره نم زده و در حال تخریب است.

- از آنجا که عموماً ورودی‌های مسکونی در دوره پهلوی اول تنها موضع بیرونی مزین در بناست، دارای شخصیت و گونه‌شناسی مستقل نیز بوده است (ت ۵).

۴. ورودی‌های نوگرایی اولیه

ورودی‌های گونه نوگرا در دوره پهلوی اول دارای ویژگی‌های ذیل‌اند:

- بروز کالبدی معماری مدرن بیشتر در دوره پهلوی دوم جلوه‌گر گردید؛ اما بذر تغییرات کالبدی در دوره قاجار در تهران و دوره پهلوی اول در کرمان کاشته شده بود. در این مسیر سیاست‌های حکومتی به سرعت این تغییرات دامن زد. همچنین، قبل از ظهور این تغییرات معمارانه، تغییرات شهرسازانه در کرمان از طریق خیابان‌کشی‌ها در بافت کهن صورت پذیرفت.

- این نوگرایی معمارانه هم در ابنیه مسکونی و هم در ابنیه عمومی پدیدار گردید.

- مقیاس و ابعاد این ورودی‌ها انسانی است.

- این گونه ورودی بیشتر برای عبور و مرور پیاده در نظر گرفته شده بود.

- قرینگی از ویژگی‌های ساخت این گونه از ورودی‌هاست.

- در کرمان، جنس درها و روزن‌ها همچنان چوبی است و کمتر از فلز استفاده شده است.



ت ۵. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه باستان‌گرا در دوره پهلوی اول. مأخذ: نگارنده.



ت ۶. این سه ورودی زیبا متعلق به سه دوره قاجار، پهلوی اول و دوم از طریق اشدگاهی در انتهای بن‌بست همجواریند. مأخذ: نگارنده.

تزیینات

- اندکی کمتر و ساده‌تر از گونه سنتی است، چراکه هنوز شیوه نوگرایی در کرمان، به‌رغم حضورش در پایتخت، همه‌گیر نشده است.
- قوس مازهدار و بعد دالبری جایگزین قوس تیزهدار و جناغی سنتی گردیده است.
- در طرفین ورودی و در زمینه کاهگلی، شاهد گچ‌کاری‌هایی با طرح غالب گیاهی هستیم (ت ۶ و ۷).

۵. ورودی‌های التقاطی (ترکیبی)

ورودی‌های گونه ترکیبی در دوره پهلوی اول دارای

اغلب درهای فلزی در دوره پهلوی دوم به ورودی الحاق شده است.

- جنس مصالح بدنه بناهای این گونه از چوب، آجر، سنگ و گچ است. به‌عبارت دیگر، این گونه ورودی همان گونه سنتی دوره قاجاریه را دنبال می‌کند، لیکن در آن اندکی تغییرات صورت گرفته است.

- تغییر شکل اصلی در کاربست قوس خمیده و نیم‌دایره در سردر بناست که آنها را از نمونه‌های سنتی ورودی متمایز می‌کند.

- رنگ بدنه این بناها نخودی، خاکستری و سفید و زمینه نخودی آن غالب است.

ت ۷. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه‌نوگرا در دوره پهلوی اول. مأخذ: نگارنده.



ویژگی‌های ذیل اند:

۱. معماری سنتی ایرانی با معماری نئوکلاسیک غرب،
 ۲. معماری سنتی ایرانی با معماری نوگرای اولیه،
 ۳. معماری سنتی ایرانی با معماری اقتدارگرا،
 ۴. معماری سنتی ایرانی با معماری باستان‌گرا،
 ۵. معماری باستان‌گرا با معماری اقتدارگرا.
- مقیاس این ورودی‌ها هم انسانی و هم فرانسوی است.
 - این ورودی‌ها هم برای پیاده ساخته شده و هم برای عبور و مرور سواره.
 - این ورودی‌ها هم دارای نمونه متقارن است و هم دارای نمونه‌های نامتقارن.
 - در ورودی هم از جنس چوبی و هم از جنس فلزی است. اواخر دوره پهلوی اول و اوایل دوره پهلوی دوم دوره گذار استفاده از درهای چوبی است.
 - مصالح مورد استفاده در نماسازی‌ها آجر، سنگ، گچ و کاشی است. استفاده از خشت نیز در سقف بناها، کفسازی‌ها و قرنیز ادامه یافت.
 - رنگ نمای بناها در این گونه نخودی، طوسی، سفید و فیروزه‌ای بوده که البته رنگ نخودی در اغلب آنها غالب است (ت ۸).

- با توجه به اینکه جامعه ایرانی و کرمانی جامعه‌ای سنت‌گرا بوده و ریشه‌های سنت در اجتماع و فرهنگ پایدار مانده است، در بروز کالبد معمارانه ورودی‌ها و نماسازی‌ها هنوز بازگشت به سنت به چشم می‌خورد. همچنین، سابقه معماری خیابانی که از دوره قاجاریه شروع شده و تجربه‌های اولیه خود را در پایتخت می‌گذراند هنوز در کرمان بروز نکرده است، تا اینکه در دوره پهلوی اول در خیابان زریسف برخی بدنه‌سازی‌های خیابانی را مشاهده می‌کنیم. این خیابان گویی «لاله‌زار تهران» است و قابلیت پرداختن به آن و تبدیل شدن به یک محور فرهنگی را دارد.
- ترکیب شیوه معماری سنتی ایرانی و معماری نئوکلاسیک غرب که در تهران در سال‌های ۱۲۶۸ق تا ۱۳۰۳ق در دوره پادشاهی (ناصرالدین شاه قاجار) بروز و ظهور کرد، به شیوه تهرانی موسوم شد.^{۱۳} این سبک که معماری خواص بود در برخی بدنه‌های خیابان زریسف به فاصله زمانی حدود پنجاه سال (بعد از تهران) اجرا گردید.
- این گونه بیشتر در بناهای مسکونی و خانه‌باغ‌های خصوصی دیده می‌شود.
- التقاط در گونه‌ها در این دوره حکومتی به صورت ذیل مشاهده شده است:

ت ۸. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه ترکیبی در دوره پهلوی اول. مأخذ: نگارنده..



ج. ورودی‌های ابنیه کرمان در دوره پهلوی دوم ۱. ورودی‌های اقتدارگرا

ورودی‌های گونه اقتدارگرا در دوره پهلوی دوم دارای ویژگی‌های ذیل اند:

- اقتدارگرایی و عظیم نمایش دادن آثار معماری در دوره پهلوی دوم از بین نرفت، بلکه در ابنیه عمومی همچنان به کار رفت. دموکراسی در این دوران جلوه بیشتری کرد، اما در لایه‌های پنهان و آشکار حکومتی همان روحیه اقتدارمندی و دیکتاتوری حفظ شد.

- به همین علت، مقیاس ورودی این گونه بناها به صورت فرانسایی بود.

- جلوه این ابنیه با عظمت در ساختمان‌های دانشگاه، برخی سینماها، فرودگاه و راه آهن قابل مشاهده و تعقیب است.

- عبور و مرور پیاده و سواره در این ورودی‌ها میسر بود.

- ساخت ورودی هم به صورت متقارن و هم به صورت نامتقارن ایجاد شد.

- جنس درها و بازشوها از فلز بود.
- برای رسیدن به اهداف اقتدارگرایانه از مصالح مدرن آجر، سنگ، سیمان، بتون و فلز بهره‌گیری شد.

- رنگ نمای ابنیه این گونه بناها به سبب نوع مصالح نخودی و خاکستری شد. رنگ خاکستری از کاربست فراوان بتون و سیمان حاصل شد.

- خم «الان و راهروها»، که در دوره قاجاریه بعد از هشتی وجود داشت، به صورت مستقیم و راست ایجاد شد.

- طاق درگاه‌ها از حالت خمیده به حالت تخت درآمدند.

- ابنیه‌ای که دارای حیاط یا فضای باز باشند، ورودی مستقل سواره برایشان در نظر گرفته شد.

- بر اساس ورود و خروج ماشین، سرعت ورود و خروج نیز افزایش یافت.

- مفهوم حریم، که از مؤلفه‌های فضاهای ورودی سنتی بود، کمرنگ‌تر شد.

- به ارتباط و پیوند میان فضا (مکان) شهری و فضای معماری توجه کمتری شد.

- با ورود تکنولوژی ساخت، سرعت ساخت و ساز نیز افزایش یافت.

تزئینات

- به علت حکمفرما شدن سبک مدرنیسم در ایران، از تزئینات بناها کاسته شد، هرچند در کتیبه‌های کاشی یا برخی نقش‌های آجری تداوم یافت.

- توجه به تزئینات فلزی پروفیل‌های در و پنجره در این دوره بیشتر شد (ت ۹).

ت ۹. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه اقتدارگرا در دوره پهلوی دوم. مأخذ: نگارنده.



که اقلیم ایران و شهر کرمان این مصالح را کمتر در اختیار دارد، از آجر برای ابراز آن استفاده شده است. به تبع آن، رنگ مصالح بدنه نخودی از آجر و خاکستری از سیمان است.

تزئینات

- هژّه غالباً به صورت لایه لایه و با آجرهای پخدار (لبه گرد) اجرا شده است.
- در پیشانی‌ها تزئینات آجری مشاهده می‌شود که گاهی با کتیبه‌های کاشی لعابی مربعی یا مستطیلی همراه است (ت ۱۰).

۳. ورودی‌های نوگرای متعالی

ورودی‌های گونه نوگرا در دوره پهلوی دوم دارای ویژگی‌های ذیل اند:

- پس از نگرش و گرایش به نوگرایی، که در دوره قاجاریه در تهران و دوره پهلوی اول در کرمان به وجود آمد، این شیوه در دوره پهلوی دوم فراگیر و همه‌شمول گردید، به گونه‌ای که اساس ساخت و اجرای ابنیه مسکونی و عمومی را به خود اختصاص داد و تا امروز نیز این نگرش امتداد یافته است.
- ابنیه و ورودی‌ها در مقیاس‌های گوناگون انسانی و فرانسائی احداث شد.
- این ورودی‌ها هم برای عبور و هم برای عبور سواره طراحی شد.
- با وجود «تقارن» در ورودی‌ها، شاهد ورودی‌های متعددی هستیم که به صورت

۲. ورودی‌های باستان‌گرا

ورودی‌های گونه باستان‌گرا در دوره پهلوی دوم دارای ویژگی‌های ذیل اند:

- در ادامه شیوه باستان‌گرایی که در دوره پهلوی اول در کرمان معرفی شد، این شیوه در دوره پهلوی دوم نیز تا ساده‌ترین و انتزاعی‌ترین شکل خود تداوم یافت، به گونه‌ای که در ورودی بناهای سکونت‌ی ساده در محلات کم‌بضاعت شهر نیز به چشم می‌خورند. شاید ویژگی نوگرایی که ساده‌سازی ساخت و تزئینات را در خود داشت، موجب شد شیوه باستان‌گرا به انتزاعی‌ترین حالت شکل بگیرد.
- این شیوه اغلب در ابنیه خصوصی سکونت‌ی بروز و ظهور یافت.
- مقیاس این ورودی‌ها انسان‌مدار است.
- این ورودی‌ها برای پیاده اغلب احداث شد، اما نمونه‌های سواره یا پهن آن نیز در کرمان وجود دارد.
- تقارن در ورودی ابنیه این گونه به چشم می‌خورد.
- طاق درگاه یا نعل درگاه از حالت طاقی به تخت تغییر یافت.
- جنس درهای ورودی هم چوبی است و هم فلزی.
- جنس مصالح نمای این گونه معماری آجر، سنگ، سیمان و فلز است.
- اصل جنس مصالح به کاررفته برای ارائه این شیوه در تخت جمشید سنگ است، اما، از آنجا

ت ۱۰. نمونه‌هایی
از ورودی‌های گونه
باستان‌گرا در دوره
پهلوی دوم. مأخذ:
نگارنده..



تزیینات در بنا مخالف بوده، اما در ایران به هر نحوی این تزیینات حفظ و به‌کار گرفته شده است (ت ۱۱).
به همین علت هم هست که به نقل از «دکتر وحید قبادیان»: "در آن زمانی که پست مدرن^{۱۳} هنوز پست مدرن نشده بود، معماری ایران قبل از سایر کشورهای پیشرو به این شیوه ورود کرده بود."
از میان ابنیه عمومی مدرن در کرمان می‌توان به سینماهای شهر و دانشگاه شهید باهنر کرمان اشاره کرد.

۴. ورودی‌های فرانوگرایی اولیه

ورودی‌های گونه فرانوگرا در دوره پهلوی دوم دارای ویژگی‌های ذیل‌اند:

- خیلی زود ایرانی‌ها متوجه سادگی صرف و عدم انعطاف‌پذیری شیوه نوگرا شدند و نخبگان ایرانی معماری فرانوگرا را به زیباترین شکل ممکن در تهران و کرمان به وجود آوردند. این آثار بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ ش پدید آمد.
- با وجود تکنولوژی ساخت، این بناها در مقیاس‌های انسانی و فرانسوی ساخته شد.
- ورودی‌ها هم برای عبور انسان و هم برای جابه‌جایی ماشین طراحی شد.
- ورودی‌های متقارن و هم نامتقارن (متعادل) در نمونه‌های ساخته شده مشاهده می‌گردد.
- جنس مصالح در ورودی از چوب و فلز ساخته

نامتقارن ساخته شده‌اند.

- در عین اینکه جنس درها فلزی می‌گردد، روزن‌ها و بازشوها به‌شکل واحدی (در تمام نقاط ایران) به صورت چوبی ساخته می‌شوند.
- از مشخصات این گونه ورودی جنس مصالح نما و فضای ورود و خروج است، که مهم‌ترین آنها موزاییک سیمانی بافت‌دار، بتون، سنگ، فلز و آجر است. بر دیواره برخی ابنیه شبکه‌هایی شیشه‌ای (کمتر از یک سانتی‌متر) به صورت نوارهای باریک نصب شده است.
- موزاییک‌های سیمانی بافت‌دار به‌رنگ‌های زرد، صورتی و سبز هستند که در کرمان بیشتر رنگ زرد استفاده شده است. همچنین، رنگ نخودی و سفید و خاکستری نیز بر بدنه ابنیه دیده می‌شود.

تزیینات

- برخی کاشی‌کاری‌های شکسته در این گونه دیده می‌شود.
- موزاییک‌های سیمانی‌رنگی در قرنیز ورودی، بدنه پیشخان به‌جای سنگ ازاره به‌صورت وسیع استفاده شده است. حتی برخی ابنیه قدیمی‌تر قاجاری و پهلوی متقدم، که معمولاً فاقد ازاره بودند، با این مصالح ازاره‌سازی شده‌اند.
- با اینکه فلسفه مدرنیسم با کاربست هرگونه

ت ۱۱. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه نوگرا در دوره پهلوی دوم. مأخذ: نگارنده.



شد.

- آجر «بهمنی» که به صورت زرد و قرمز راه راه تولید شد و انواع سنگ (از جمله درشت‌دانه و متخلخل) و فلز مهم‌ترین مصالح نما را تشکیل می‌دادند.
- رنگ بدنه بناها بیشتر قرمز، نخودی، سفید و خاکستری است.

خیابان فردوسی،

۵. ساختمان فعلی «بیمه دانا» در ابتدای خیابان هزارویکشب،
۶. «دانشکده فنی باهنر» و سردر منحصر به فرد آن در بلوار جمهوری.
برخی نمونه‌های مسکونی نیز در کرمان به همین شیوه احداث شده‌اند.

تزیینات

- طرح‌ها و تناسبات اسلیمی مجدداً در نما بروز و ظهور کرد.
- از آجرکاری و طرح‌های سنتی بهره گرفته شد.
- از بتون‌های طرح‌دار مخصوصاً با طرح و رنگ چوب استفاده شد (ت ۱۲).

در تهران یکی از مهم‌ترین ابنیه فرانوگرا «برج شهید (آزادی)» است؛ همچنین، استادبوم آزادی، موزه هنرهای معاصر، فرهنگسرای نیاوران، تئاتر شهر و ... از این دست‌اند. در کرمان نیز بناهای ذیل از این دست‌اند:

د. ورودی‌های ابنیه کرمان در دوره جمهوری

اسلامی

۱. ورودی‌های نوگرای متأخر
ورودی‌های گونه نوگرا در دوره جمهوری اسلامی دارای ویژگی‌های ذیل‌اند:
- از آنجا که فناوری ساخت بناهای مدرن به نسبت سایر سبک‌های معماری در کشور مهیّاتر و آماده‌تر است و سختی کمتری از نظر اجرا دارد و زمان ساخت کمتری را نیز دربرمی‌گیرد، همچنان، این شیوه ساخت در جهان، ایران و کرمان تداوم یافته است.
- مانند دوره‌های قبل برای اغلب ابنیه عمومی و مسکونی از این سبک معماری استفاده می‌شود.
- مقیاس ابنیه عموماً انسانی است؛ اما، اگر بنای عمومی خاصی مانند هتل، ساختمان حکومتی و قضایی، دانشگاه و ... باشد، امکان ساخت ورودی به صورت فرانسوی وجود دارد.

۱. «انجمن شهر» که ارتباط‌های معناداری میان تزیینات آن و برج آزادی می‌توان یافت،
۲. «باشگاه استانداری» که اکنون ساختمان اداره کل میراث فرهنگی کرمان است،
ساختمان «شرکت فرش»،
۳. دانشگاه امام حسین کرمان،
۴. «دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه» در



به‌رنگ زرد مرسوم شده که اندکی از آجر سه‌سانت ضخیم‌تر است. رنگ بدنه‌های مشرف به معابر نیز با توجه به نماهای مورد اشاره به‌رنگ زرد روشن و ابلق (ترکیب خاکستری و سفید) بوده است.

تزیینات

- در پیشانی بناهای آجر سه‌سانت و هره‌های آن، گونه‌ای خاص از آجرچینی ابداع شد که فقط مختص همین نوع مصالح بود. در کرمان نمونه‌های آن را در خیابان‌های هزارویکشب، امام جمعه و شفا می‌توان دید (ت ۱۳).

- به‌سبب سهولت در ساخت بنا و ورودی، هم برای رفت و آمد پیاده قابل اجراست و هم برای آمدوشد خودرو.

- نمونه‌های متقارن و نیز نامتقارن در فضای ورود و خروج به‌چشم می‌خورد.

- گونه‌ خاصی از معماری نوگرا در دهه ۶۰ تا نیمه اول دهه ۷۰ش در ایران و کرمان وجود دارد که مصالح نما در آن آجر سه‌سانت و سنگ مرمر همراه با پروفیل پنجره‌های آلومینیومی بود. جالب آنکه پس از این مقطع گونه مذکور از رواج افتاد.

- از دهه هشتاد تا کنون، در کرمان، آجر پلاک

ت ۱۲. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه فرانوگرا در دوره پهلوی دوم. مآخذ: نگارنده.

۲. ورودی‌های فرانوگرای متعالی

- در هر دو نوع بنای خصوصی (مسکونی) و عمومی این سبک در کرمان وجود دارد.
- تقارن و عدم تقارن در ورودی‌های ابنیه این سبک به چشم می‌خورد.
- هر دو نوع در و پروفیل چوبی و فلزی در این ابنیه مشاهده می‌گردد.
- آجر نسوز قرمز، آجر فشاری و سنگ تراورتن از رایج‌ترین مصالح مورد استفاده در نمای ابنیه است.
- رنگ غالب بدنه نیز قرمز، زرد، سفید، کرم و گردویی است (ت ۱۴).
- نمونه‌های خوب و فاخری در کرمان از سبک فرانوگرا وجود دارد، از جمله:
 ۱. «ساختمان بنیاد نخبگان کرمان» در انتهای بلوار جمهوری اسلامی،
 ۲. «موزه دفاع مقدس»، در خیابان شهید عباسپور،
 ۳. «ساختمان تالار مرکزی کرمان» واقع در جاده تهران (خیابان شهید صدوقی)،
 ۴. «مسجد و مجموعه ورزشی ارتش در نزدیکی سیلو» و... اشاره کرد.
 ۵. همچنین، ایده و طرحی از فرهاد احمدی با موضوع مرکز فرهنگی در محدوده گودال خشت‌مال‌ها وجود دارد که به سبک «نوست‌گرایی» گرایش دارد.

۳. ورودی‌های فن‌مدار

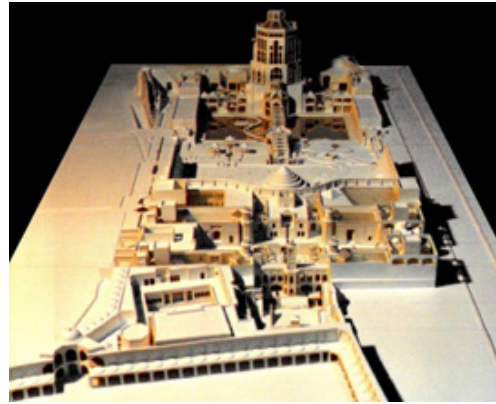
- ورودی‌های گونه فن‌مدار در دوره جمهوری اسلامی دارای ویژگی‌های ذیل‌اند:
 - تکنولوژی‌های جدید موجب شده دهانه‌های وسیع‌تری ساخته شود و ساختمان‌های مرتفع‌تری را در کرمان شاهد باشیم؛ همچنین، اصول و معیارهای زیست محیطی نظیر دریافت، کنترل و استفاده بهینه از نور خورشید، کنترل صدا، کنترل انرژی گرمایی و سرمایی و بام سبز در کرمان بهتر رعایت گردد. با این فناوری‌های جدید، می‌توان ابنیه عمومی و خصوصی بسیاری ساخت. لذا آینده این شهر برای اجرای چنین ایده‌هایی روشن خواهد بود.
 - در موضع ورودی این ابنیه عملاً محدودیت‌هایی که گونه‌های سنتی و قبل‌تر داشتند ندارند. لذا، در بحث تقارن یا عدم تقارن، انسانی یا غیرانسانی بودن ورودی و جنس مصالح نما، عملاً مانعی وجود نداشته و هرکس می‌تواند به سلیقه خود اقدام به ساخت کند.
 - جنس درها و پروفیل‌های بازشوها همچنان از فلز یا چوب است؛ اما در یک دهه اخیر پروفیل‌های یوبی‌وی‌سی جای هر دو را گرفته است، چراکه از لحاظ صرفه انرژی و اقتصادی کارآمدتر است.
 - نوع مصالح نماهای این سبک آجر نسوز، آجر فشاری و انواع سنگ از جمله تراورتن،

ت ۱۳. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه نوگرا در دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارنده.





ت ۱۴. نمونه‌هایی
از ورودی‌های گونه
فرانگرا در دوره
جمهوری اسلامی.
مأخذ: نگارنده.



شبییه هم والبتیه بدمنظر شده است.
- در این گونه، فضای ورود و تزیینات آن بانماسازی
بنا ترکیب می‌گردد و جزئی از آن می‌شود و دیگر
گونه مستقلی محسوب نمی‌شود (ت ۱۵).
اگر قوانین ساختمان و در موضوع حاضر ضوابط
سیما و منظر شهری به دقت اجرا نگردد و دست
سوداگران باز باشد، نه تنها داشته‌های گذشته مان
را به سبب گذشت زمان یا تخریب (به جهت
بازسازی‌های بدون مطالعه) از دست خواهیم داد،
بلکه الگوهای نوآورانه و خلاقانه نیز از جانب
جامعه معماران شهر پرورش نخواهد یافت. با
این حال، نمونه‌های درخوری از انبیه عمومی و

مرمریت، مرمر، گرانبیت، و رودخانه‌ای است.
- به سبب نوع نما، رنگ بدنه قرمز، نخودی و
زرد، سفید، گردویی و کرم قابل مشاهده است.
همین تنوع مصالح و رنگ است که موجب
آشفتگی ظاهری در شهر شده است.
- متأسفانه، همگام با ورود یا تولید فناوری، قوانین
محکم و جامعی برای آنها وضع نشده است. اگر
هم وضع گردیده، نظارت بر اجرای قوانین بسیار
کم اثر بوده است. سوء برداشت‌ها و سوء استفاده‌ها
از قوانین نیز موجب آشفتگی و بی‌نظمی در
صنعت ساخت و ساز شده است. به همین سبب،
ظاهر اغلب شهرهای کوچک و بزرگ کشور

مسکونی نیز در شهر احداث شده که قابل تأمل و الگو گرفتن است.

۴. ورودی‌های التقاطی (ترکیبی)

ورودی‌های گونه ترکیبی در دوره جمهوری اسلامی دارای مشخصات ذیل اند:

- به سبب عدم تداوم معماری ایرانی در دوره اخیر و فراموشی و عدم اعتماد به برخی دستاوردهای معمارانه، اکنون شهرها با التقاطی از سبک‌ها و شیوه‌های ساخت مواجه است.
- در موضع ورود و خروج ابنیه نیز اوضاع به همین منوال است، به گونه‌ای که به فضا و جایگاه درآیگاه کمتر توجه شده و کیفیت فضایی و عملکرد مقهور سوداگری زمین و بنا شده است.
- گاهی مصالح غیرمجاز و غیراقليمی کرمان، مانند سنگ گرانبه مشکی، صفحات آلومینیومی گسترده، شبکه‌های شیشه‌ای رفلکسی یا حتی سقف‌های فلزی شیروانی استفاده می‌شود.
- اگر شیوه تلفیقی در دوره پهلوی اول قابل تحمل و

قابل اعتنا بود، این شیوه در زمان حاضر به هیچ وجه قابل افتخار و دفاع نیست، چراکه بی‌هویتی را فریاد می‌زند. لذا توصیه می‌گردد معماران شهر از این روش‌ها فاصله بگیرند (ت ۱۶).

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی، می‌توان ویژگی‌های اصلی حاکم بر اندیشه شهرسازی نوین معاصر را چنین بیان کرد: در دوره بیست‌ساله، برای اولین بار، در تاریخ شهرسازی ایران، دخالت ارادی و برنامه‌ریزی شده در بافت کهن شهرها صورت گرفته است. این قوانین و طرح‌ها در بیشتر شهرهای کشور با طرح سال ۱۳۱۶ ش سنگین‌ترین ضربه را به هویت شهرها و خاستگاه فرهنگی وارد می‌سازد. از آن زمان بود که واژه‌هایی چون شهر بی‌ریشه، شهر بی‌هویت و شهر بی‌رحم در ادبیات شهرسازی ایران وارد شد.

در دوره پهلوی اول، اگرچه از طرف حکومت به معماری سنتی یا باستانی توجه شد و نشانه‌هایی از معماری گذشته در این دوره به کار رفت، اما در شهرسازی یکسره الگوی شهرسازی اروپایی مدنظر قرار گرفت. در

ت ۱۵. نمونه‌هایی از ورودی‌های گونه فن‌مدار در دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارنده.





این شهر فرنگ، هیچ‌گونه الهام یا بهره‌ای از شهرسازی کهن ایران دیده نشد.

بافت کهن و ساختار فرسوده و کهنه دو موضوع متمایز از هم است. در این چهار دهه، به‌عمد یا ناخواسته، این تمایز شناخته نشد و شهرسازی جدید - با این استدلال که بافت یا ساختار کهنه شهر جوابگوی خواسته‌های دنیای مدرن و نیازهای اجتماعی امروز نیست - بافت کهن و میراث فرهنگی و ملی را نیز یا از میان برداشت یا دگرگونی و تخریب سنگینی بر آن وارد کرد.

آشفته‌گی قوانین، آیین‌نامه‌ها، ضوابط، دستورالعمل‌ها و نیز اصلاحات پی‌درپی آنها طی این سال‌ها مبین عدم مطالعه و برنامه‌ریزی صحیح و آینده‌نگرانه بوده است. اینها همه از نبود قانون مدون و سیاست اصولی در شهر حکایت می‌کند. همچنین، تصمیم‌های فوق قانون و به‌عبارتی فردگرایانه و به‌جامانده از نگرش‌های سنتی این وضع نابسامان را دامن بخشیده است.

ت ۱۶. نمونه‌هایی از ورودی گونه ترکیبی در دوره جمهوری اسلامی. مأخذ: نگارنده.

ج ۱. گونه‌شناسی ورودی‌های ابنیه کرمان. مأخذ: نگارنده.

دوره حکومتی	نوع کلی	عمومی / خصوصی	گستره	مقیاس	پیاده‌رو / سواره‌رو	مقارن / نامتقارن	جنس درو / وزن	جنس مصالح	رنگ مصالح
قاجاریه	سنتی	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی	پیاده	مقارن، نامتقارن	چوبی	کاهگل، خشت، گچ، کاشی	نخودی، سفید، آبی
	سنتی	خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده	مقارن، نامتقارن	چوبی	کاهگل، آجر، گچ، کاشی	نخودی، سفید، آبی
	اقتدارگرا	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن	چوبی، فلزی	آجر، سنگ، سیمان، بتون	نخودی، طوسی، سفید
	باستان‌گرا	عمومی، خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن	چوبی، فلزی	آجر، سنگ	نخودی، طوسی
	نوگرای اولیه	عمومی، خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن	چوبی، فلزی	چوب، آجر، سنگ، گچ	نخودی، طوسی، سفید
	التقاطی (ترکیبی)	خصوصی	پهن، معمولی	انسانی، فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	چوبی، فلزی	آجر، سنگ، گچ، کاشی	نخودی، طوسی، سفید، فیروزه‌ای
پهلوی اول	اقتدارگرا	عمومی	پهن، معمولی	فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	فلزی	آجر، سنگ، سیمان، بتون، فلز	نخودی، سفید
	باستان‌گرا	عمومی، خصوصی	معمولی	انسانی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن	چوبی، فلزی	آجر، سنگ، سیمان، فلز	نخودی، سفید
	نوگرای متعالی	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی، فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	روزن چوبی، در فلزی	موزاییک سیمانی بافت‌دار، بتون، سنگ، فلز، آجر، شیشه	زرد، صورتی، سبز، خاکستری، سفید، نخودی
	فرانزوی اولیه	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی، فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	چوبی، فلزی	آجر بهمینی، سنگ، فلز	ترکیب راه‌راه، نخودی و قرمز، طوسی، سفید
	نوگرای متأخر	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی، فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	چوبی، فلزی، آلومینیومی	آجر سه سانت و پلاک، کینتکس و رولکس، سنگ مرمر، سیمان	زرد، سفید، ابلق، خاکستری
	فرانزوی متعالی	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی، فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	چوبی، فلزی	آجر نسوز، آجر فشاری، سنگ تراورتن	قرمز، نخودی، سفید، گردویی، کرم
جمهوری اسلامی	فن مدار	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی، فرانسائی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	چوبی، فلزی - یو.پی. وی.سی	آجر نسوز، آجر فشاری، سنگ تراورتن	قرمز، نخودی، سفید، گردویی، کرم
	التقاطی (ترکیبی)	عمومی، خصوصی	پهن، معمولی	انسانی	پیاده‌رو، سواره‌رو	مقارن، نامتقارن	چوبی، فلزی - یو.پی. وی.سی	آجر نسوز، آجر فشاری، سنگ گرانیت، سنگ تراورتن، شیشه رفلکس، آلومینیوم و ...	قرمز، نخودی، زرد، مشکی، سفید، گردویی، کرم، آبی، سبز، خاکستری

پی‌نوشت‌ها

کتاب‌نامه

قبادیان، وحید (۱۳۸۳). معماری در دارالخلافة ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر ایران)، تهران: نشر پشوتن.

ملک‌عباسی، سلمان (۱۳۹۸). تبیین ساختار فضایی بافت شهر (با تأکید بر آموزه‌هایی از کرمان)، تهران: نشر آذرخش.

ملک‌عباسی، سلمان (۱۴۰۰). از شار تا درآیگاه (مطالعات و راهنمای طراحی نما و فضاهای ورودی ابنیه کرمان)، ج ۲. کرمان: انتشارات شهرداری کرمان.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). هویت شهر (مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها)، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱. دانش‌آموخته دکتری شهرسازی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

salman_malekabbasi@yahoo.com

۲. نقی‌زاده، هویت شهر: ۳۴ و ۱۲۰.

3. Classic & Traditional.

4. Authoritarianist.

5. Archaic.

6. Early Modern.

7. Eclectic.

8. High Modern.

9. Early Post Modern.

10. Last Modern.

11. High Post Modern.

12. High Tech.

۱۳. قبادیان، معماری در دارالخلافة ناصری: ۲۴۵.